

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ایمل خان فیضی

۱۰ جون ۲۰۱۱

مخالفت مسکو با حذف طالبان از لست سیاه سازمان ملل

چند نظر پیرامون دومین کنفرانس بن

(قسمت دوم)

در حالیکه قدرت های غربی مصروف زمینه سازی برای اشتراک مخالفین مسلح دولت افغانستان در کنفرانس دوم بن اند، روسیه، چین و هند با حذف نام بعضی از طالبان و یا جدا ساختن آنها از لست تحریم های سازمان ملل، مخالفت نموده اند.

پیتر ویتیک، نماینده دائمی المان در سازمان ملل و رئیس کمیته مسؤل تحریم های این سازمان می گوید که برخی از اعضای کمیته مذکور، خاصاً روسیه، روی طرح آوردن تغییرات در لست سیاه (قطعنامه ۱۲۶۷)^۱ سازمان ملل مخالفت دارند.

در پیوند با تلاش های سیاسی کشورهای غربی برای آماده ساختن شرایط برای مذاکره با مخالفین دولت افغانستان، سازمان ملل اخیراً طرحی را روی دست گرفته است که به اساس آن نام های طالبان از لست سیاه ۴۵۰ نفری سازمان ملل که در آن اعضای القاعده نیز شامل اند، جدا می گردد. به گفته ویتیک، "از هم جدا کردن این دو (طالبان – سازمان القاعده) اهمیت تلاش های سیاسی جاری در افغانستان را نشان می دهد."^۲

حکومت افغانستان اخیراً پیشنهاد حذف نام های نزدیک به ۵۰ تن از جمله ۱۳۸ - ۱۴۰ نام مربوط به گروه طالبان را از سازمان ملل نموده است.

^۱ قطعنامه ۱۲۶۷: بتاريخ ۱۵ اکتوبر ۱۹۹۹، شورای امنیت سازمان ملل، تحریم های را بر افراد و نهاد های مربوط به سازمان القاعده، اسامه بن لادن و طالبان وضع کرد.

^۲ http://news.yahoo.com/s/ap/۲۰۱۱۰۶۰۷/ap_on_re_as/as_afghanistan
<http://www.guardian.co.uk/world/۲۰۱۱/jun/۰۷/russia-united-nations-taliban-talks>

نماینده دائمی المان در سازمان ملل می گوید که اکنون، کشورش مصروف "مذاکرات شدید" با برخی از اعضای کمیته تحریم های سازمان ملل (روسیه، چین، هند) روی یک سلسله تغییرات در لست سیاه (قطعنامه ۱۲۶۷) می باشد.

اکنون، برای تصویب این پلان، رأی مثبت تمام اعضای کمیته لازم می باشد. طبق گزارش های خبری، تا به حال، روسیه بزرگترین مانع در راه تصویب این پلان بوده است و اگر مقامات افغان بتوانند تا موقف مسکو را در زمینه تغییر دهند، هند و چین هم مسیر روسیه را تعقیب خواهند کرد. اعضای کمیته تحریم های سازمان ملل باید تا تاریخ هفدهم ماه روان روی موضوع یاد شده به توافق برسند.

تلاش های دول غربی، به خصوص دولت المان و ایالات متحده آمریکا در چند جهت مختلف برای به مذاکره کشاندن طالبان، بیانگر این امر است که سناریوی جنگ آمریکا در افغانستان و پاکستان وارد یک فصل جدید شده است. در این فصل جدید، واشینگتن سعی دارد تا سیاست های پوشیده خود را که در چوکات یک ستراتیژی بزرگ و درازمدت برای افغانستان و منطقه در نظر دارد (به شمول ایجاد لشکرگاه های امریکائی در افغانستان)، به آنها در کنفرانس دوم بُن مشروعت دهد.

باآنکه راجع به دومین کنفرانس بُن، وزارت خارجه المان و حکومت افغانستان اظهار داشته اند که رهبری کنفرانس دوم بُن به عهده حکومت افغانستان خواهد بود و در آن ستراتیژی ده سال آینده، بعد از سال ۲۰۱۴، در قسمت چگونگی روابط افغانستان با جهان و تضمین کمک های جهانی به افغانستان تا سال ۲۰۲۴، از سوی کابل پیشنهاد خواهد شد، برخی ها زیر این کاسه غرب (کنفرانس دوم بُن) نیم کاسه می بینند.

چند نظر پیرامون دومین کنفرانس بن

غلام جیلانی خُواک، رئیس مرکز تحقیقاتی و مشورتی افغان در کابل، در تماس با نگارنده، ضمن تأیید این موضوع که قدرت های غربی تلاش دارند تا طالبان را به دومین کنفرانس بُن بکشانند، می گوید که یکی از اهداف کنفرانس دوم بُن، "به یک شکل، روانه کردن افغانستان به جهت یک نظام فدرالی است".^۲ به گفته خُواک، برخی ها در غرب به این فکر اند که "در افغانستان مرکز (حکومت مرکزی) هرگز بر تمام نقاط کشور حاکمیت نداشته است، پس بهتر است تا چنین یک سیستم به میان آید که در آن به ولایات اختیارات بیشتر داده شود و حکومت های محلی ایجاد و قدرتمند گردند. این کار در حقیقت یک گام به سوی تجزیه افغانستان است".^۳

دکتور روستار تره کی، در ارتباط به کنفرانس دوم بن، روی برگزاری یک کنفرانس بین الافغانی و مذاکرات مستقیم آمریکا با مخالفین مسلح تأکید می کند و به این نظر است که: "طرح قضیه افغانستان در یک مجمع معجون مرکب مملو از تضاد ها و تقابل منافع وسیع گروه ها و دولت ها هیچ گونه دست آوردی برای صلح نخواهد داشت. صلح با مذاکره مستقیم آمریکا و ناتو با مقاومت مسلح امکان پذیر است. فقط با ارضای خواست مشروع مقاومت، زمینه استعمال آنها منحصراً ازافزار جنگی توسط کشور های همسایه از میان می رود. نتیجه مذاکره را می توان به تصویب یک کنفرانس بین الافغانی رسانید، نه کنفرانس بین المللی مانند بن دوم. در

^۲ تماس نگارنده با غلام جیلانی خُواک

صورتیکه تدویر کانفرانس بن دوم در لوح محفوظ نوشته شده باشد و از تدویر آن ناگزیر باشیم، قبلاً باید نتایج کانکرت از مذاکره صلح با مقاومت به دست آمده باشد.^۴

شاعر و نویسنده معروف، عبدالباری جهانی به این باور است که کانفرانس دوم بن محض یک تکرار کانفرانس اول خواهد بود و این بار با رنگ ها و شعارهای تازه. جهانی درحالیکه بر ضرورت یک اپوزیسیون مؤثر تأکید دارد، می گوید که در افغانستان همه چیز بروفق میل نیروی اشغالگر صورت می گیرد و این تراژیدی تا سالها ادامه خواهد داشت.^۵

استاد اسحق نگارگر تدویر یک لویه جرگه را حل بحران افغانستان می داند و در ارتباط به برگزاری کانفرانس دوم بن می گوید: "سالی که نکوست از بهارش پیداست. اگر باز کانفرانس با همان جنایتکاران جنگی باشد، پس هیچ امیدی برای آینده بهتر افغانستان دیده نمی شود." آقای نگارگر به این نظر است که باید از تدویر یک لویه جرگه دعوت به عمل آید و مصالحه ملی تنها زمانی صورت خواهد گرفت که تمام مجرمین جنگی مجازات گردند...^۶

مرکز تحقیقاتی و مشورتی افغان در کابل، چندی قبل بحثی را در رابطه به برگزاری کانفرانس دوم بن، به راه انداخته بود. اشتراک کنندگان بحث یکی از اهداف قدرت های غربی را در عقب دومین کانفرانس بن، تغییر دادن نظام در افغانستان، عنوان کردند.

عبدالحمید مبارز، یک تن از اشتراک کنندگان بحث، گفت که موضوع کانفرانس دوم بن باید در لویه جرگه آینده که تدویر آن از سوی رئیس جمهور پیشنهاد شده است، مطرح گردد.

روزنامه ویسا، چاپ کابل، به نقل از مبارز نوشته است که کانفرانس دوم بن و در مجموع، هدف غرب از آوردن نظام فدرالی، "تجزیه کردن افغانستان است که این یک کار ناممکن است."^۷

زبیر شفیقی، روزنامه نگار و مسؤل روزنامه ویسا، اظهار داشت که در طرح دومین کانفرانس بن، موضوع حل مشکلات نظام و اداره افغانستان مطرح نیست، بلکه "در اصل تلاش برای مساعد ساختن زمینه برای ادامه بحران و موجودیت عساکر خارجی است."

یک اشتراک کننده دیگر بحث، عبدالستار سعادت، کارشناس مسائل حقوقی، گفت که اگر کانفرانس دوم بن در ارتباط به کمک ها و نوآوریها در پروسه بازسازی باشد، یک گام مثبت است "ولی اگر سخن از تغییر در نظام و اداره باشد و یا مصالحه با مخالفین، پس آن باید توسط خود افغانها در افغانستان تعقیب شود."

اشتراک کنندگان بحث روی این نکته تأکید داشتند که برای بیرون رفت از بحران کنونی در افغانستان، بهبود روابط با همسایگان و همکاری های منطقه ای ضروری میباشد.

باتوجه به اظهارات فوق، می توان چنین نتیجه گرفت که مذاکره با مخالفین مسلح، شریک ساختن آنها در پروسه سیاسی، برگزاری کانفرانس دوم بن در اخیر امسال و تعیین یک چوکات سیاسی برای ده سال آینده افغانستان در آن، خروج محدود عساکر امریکائی، ایجاد لشکرگاه های نظامی درازمدت... بخشی از اهداف ستراتیژیک امریکا

^۴ تماس نگارنده با دکتر روستار تیره کی

^۵ تماس نگارنده با عبدالباری جهانی

^۶ تماس با استاد اسحق نگارگر

^۷ <http://www.dailyweesa.com/?p=۱۱۷۸>

در افغانستان و منطقه را تشکیل می دهد. البته، چگونگی عملی شدن و یا نشدن این و دیگر اهداف واشینگتن در منطقه منوط به نفوذ و تلاش های قدرت های منطقه نی دخیل در موضوع افغانستان می گردد. افغانستان، مانند گذشته، باز هم ناخواسته به یک بازی بزرگ سیاسی کشانیده شده است که در کوتاه مدت هیچ نوع کنفرانس بین المللی، نه لویه جرگه عنعنه نی و نه کدام کنفرانس بین الافغانی آنرا نجات داده می تواند، زیرا در اوضاع و شرایط سیاسی کنونی هیچ کدام از اینها "اتوریتته لازم حقوقی" را در کار خود نخواهند داشت و تحت نفوذ قدرت های منطقه نی و فرا منطقه نی خواهند بود.